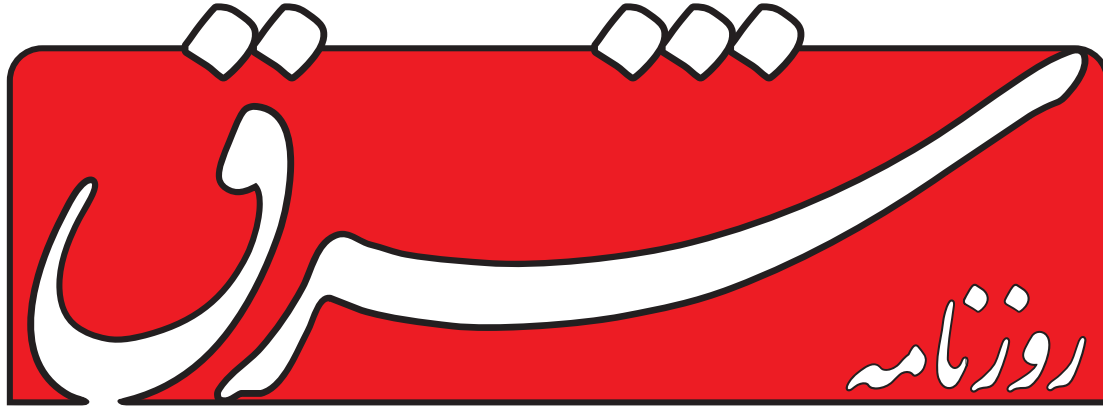




احمد غلامی

شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۳
۱۲ صفر ۱۴۴۶
۱۷ آگوست ۲۰۲۴
سال بیست و یکم
شماره ۴۹۰۵
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



یادداشتی از محمدجعفر قائم‌پناه
معاون اجرایی
و سرپرست نهاد ریاست جمهوری

فرصت وفاق ملی



در «شرق» امروز می‌خوانید: دورهمی روزنامه‌نگاران برگزار شد؛ شبی به احترام حقیقت • اسماعیل کوثری، نماینده تهران؛ صالحی امیری می‌تواند فعالیت مفیدی در وزارت میراث فرهنگی داشته باشد

امروز با حضور پزشک‌یان در مجلس روند بررسی صلاحیت وزرای کابینه چهاردهم آغاز می‌شود

سنجش پاس‌تور در بهارستان

گزارش تیریک‌را در صفحه ۲ بخوانید



در گفت‌وگو با وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش مطرح شد

برای مدرسه آمده‌ام

من مرد وعده‌های بزرگ و انجام‌نشدنی شستم

ما در آموزش و پرورش به سیاست‌گذاری نیاز داریم اما به سیاسی بازی خیر

این گزارش را در صفحه ۱ بخوانید



(شرق) از روند تخریبی علیه گزینه پیشنهادی وزارت امور خارجه گزارش می‌دهد

ساز ناکوک پایداری

دلفی؛ عراقچی می‌تواند یک سرفصل تازه از روابط را بین ایران و اروپا شکل دهد

اردستانی؛ عراقچی رأی اعتماد را از مجلس می‌گیرد

این گزارش را در صفحه ۱ بخوانید

برگزیده‌ها

معاون اول رئیس‌جمهور در دیدار با اعضای هیئت‌رئیس جبهه اصلاحات؛ شخص‌ها در به‌کارگیری جوانان و زنان کوتاه نخواهم آمد

نگاهی به اتفاق پرحاشیه این روزهای سینمای ایران در گفت‌وگو با ابوالحسن داوودی و مهدی صباغ‌زاده دیدگاه تدوین «سند ملی سینما» چیست؟

اینترنت بدون فیلتر ایران در انتظار رونالدو

بررسی یک نمونه مستند: ۱۵ سال تلاش لابی صهیونیسم برای ترور شخصیت موسویان

خلأ دیپلماسی عمومی و استراتژی صهیونیسم در ترور دیپلماسی



این گفت‌وگو را در صفحه ۱۰ بخوانید

یادداشت

گفتمان فرهنگی دولت چهاردهم



علیرضا تابش

این پرسش که «مردم ما از زندگی در کشورشان و از نظام سیاسی‌شان چه می‌خواهند؟»، به نظر محوری‌ترین پرسشی است که همه دستگاه‌ها و سازمان‌ها باید به‌دنبال پاسخ آن باشند و سیاست‌ها و اقداماتشان را بر مبنای پاسخ‌گویی به این خواسته مردم طراحی کنند. دستگاه‌های فرهنگی نه فقط باید به‌دنبال این سؤال باشند بلکه علاوه بر آن باید زمینه‌های فراهم‌کنند تا این پرسش در فضای اجتماعی مطرح شود و زمینه لازم برای بحث را در این باره فراهم کنند. به گمان من، در شرایط کنونی می‌توان پاسخی مبنایی به این سؤال داد و بر این امر تأکید کرد که مسئله ایران امروز، همچنان بحران همبستگی اجتماعی (عدم وفاق) است. کم‌وبیش جنبه‌های متفاوت این مسئله در تعبیر و مفاهیمی مثل افول سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی، ضعف بنیان‌های اخلاقی، گسست در پیوندها و تعاملات بین دولت و مردم در رسانه‌ها و در زبان کارشناسان، فعالان اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ابراز می‌شود.

بازگشت همه ما به سوی اوست

مطلع شدیم برادرمان آقای محمدحسن فرهادی، هم‌دوره دانشجویی و همراه عزیزمان به لقاءالله پیوسته است. او انسانی متفکر و باهوش، متواضع و خوش‌خلق و قانع بود. محمدحسن عزیز، معلمی موفق و مدیری تلاشگر بود. این ضایعه را به جامعه فرهنگی کشور و استان خراسان و همکاران وزارت کشور و به خانواده محترمش و به همه شاگردان و دوستانش تسلیت می‌گوییم. از خداوند برای بازماندگان محترم صبر و سلامتی و برای عزیز تازه درگذشته غفران و رحمت الهی خواستاریم.

سیدمرتضی مبلغ، محمدهاشم همینی، ناصر زرگر، مهدی ابیطعی، سیدابوالفضل رضوی، سید محمود حسینی، سیدمظفر شجاعی، احمد بهمن پور، علی مزروعی، علی یوسفی، حسین عمیدپار، محمدتقی شریعتی، محمد زائری امیرانی، مهدی رحمانیان، مصطفی نصر و حسن جعفری

این صفحه ادامه‌دار صفحه ۴

یادداشت

طالبان سه‌ساله شد رژه قدرت و سلطه خزنده



محمدحسین عمادی*

مشاور ارشد سازمان ملل در بازسازی افغانستان

گرفته است. شاید تاکنون چین بیشترین انگیزه و تمایل را برای توسعه تجارت، روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری در افغانستان از خود نشان داده است. ایران و برخی کشورهای همسایه و آسیای مرکزی نیز اقداماتی را در این زمینه آغاز کرده‌اند. اما کم‌کم اصلی‌ترین دغدغه و دل‌نگرانی کشورهای همسایه و منطقه در ارتباط با طالبان مسئله امنیت مرزها و جلوگیری از مهاجرت گسترده پناهندگان و کنترل گروه‌های تروریستی در افغانستان است. به رسمیت شناختن سلطه طالبان، اصرار بر حق همه قومیت‌ها در تشکیل حکومت همه‌شمول و توجه به مردم‌سالاری و حق آموزش زنان کم‌کم اصلی‌ترین اهرم‌های فشار بر گروه طالبان در ازای دل‌نگرانی‌های یادشده است. تأکید بر حقوق انسانی قومیت‌ها و

یادداشت

باز هم در ضرورت تیم رسانه‌ای رئیس‌جمهور



مهدی‌ادامدی‌شیخانی

انتشار فیلمی کوتاه از سخنان جناب قائم‌پناه، معاون اجرایی رنس‌جمهور پزشک‌یان در فضای مجازی که شرح گفت‌وگوی او با آقای مومنی (فرد معرفی شده به مجلس برای تصدی وزارت کشور) بود، انگیزه من برای نوشتن این یادداشت شد. جناب قائم‌پناه در این فیلم کوتاه، از این می‌گوید که چگونه توانسته نظر جناب مومنی را با وجود اینکه مایل به قبول مسئولیت وزارت کشور نبوده، جلب کند. این فیلم از آنجا اهمیت دارد که بیشترین حمله به جناب پزشک‌یان، پس از معرفی کابینه پیشنهادی به مجلس، از بابت همین انتخاب جناب مومنی بوده و به‌خصوص که آقای مومنی یک فرد نظامی است و نوک تیز حمله به کابینه معرفی‌شده به همین برمی‌گشت که چرا جناب

رئیس‌جمهور، برای یک پست سیاسی، فردی نظامی را معرفی کرده و به‌خصوص این حمله از طرف کسانی که مدعی حمایت از دکتر پزشک‌یان بودند، بیشتر جلب توجه می‌کرد. پس از انتشار این فیلم بود که معلوم شد اتفاقاً جناب آقای مومنی، مهم‌ترین دلیلش برای نپذیرفتن این پست را به همین نظامی‌بودن خود برمی‌گرداند و صلاح نمی‌دید که یک نظامی وزیر کشور شود. بعد از انتشار این فیلم بود که به ناگهان تیغ حمله به رئیس‌جمهور کند شد و حتی به غلاف رفت و تازه بعد از آن بود که افراد سعی در شناختن این کاندیدای تصدی وزارت کردند و کم‌کم سخنانی مثبت درباره او، اینجا و آنجا منتشر شد و حتی معلوم شد که از قضا، جنبان‌ها هر جا که بوده، موفق عمل کرده است. این رخداد مرا بر آن داشت که اصرار و پیگیری قبلی و چندماهه خود را جدی‌تر طرح کنم؛ اینکه نبود یک تیم رسانه‌ای «بالانگیزه، چابک و مجرب»، تا همین‌جا بهترین فرصت را به تخریبی‌ها برای پروژه «پشیمان‌سازی» داده و اگر جناب رئیس‌جمهور همچنان به این تعلل ادامه دهد، بعید نیست که دیگر نتواند جلوی موج «پشیمانیم» را بگیرد. بگذارید نقبی به گذشته، آن هم گذشته نه‌چندان دور برزیم تا ببینیم که نداشتن یک تیم رسانه‌ای مناسب، چقدر می‌تواند به گفتمانی که جناب پزشک‌یان طرح آن هستند، صدمه بزند. ۲۷ سال به عقب می‌روم و از دولت برآمده از انتخابات دوم خرداد شروع می‌کنم. وقتی جناب آقای خاتمی، پروژه اصلاحات را برپا کرد در انتخابات ریاست‌جمهوری عملیاتی کرد، یکی از مهم‌ترین تکیه‌گاه‌ها برای پیشبرد اصلاحات را در گسترش رسانه‌ها می‌دید. به همین دلیل این وظیفه به مرحوم «احمد بوقرانی» سپرده شد تا با فرصت‌سازی برای مطبوعات، ضمن بالابردن سطح آگاهی اجتماعی، سپرد دفاعی مناسبی برای جریان اصلاحات در افکار عمومی بسازد و البته همین سپر را برای پیشبرد این قصد کافی می‌دید و الحاق هم که مطبوعات تا حد مطلوبی در این

آموزش زنان که از سوی جامعه جهانی، کشورهای اروپایی و آمریکا به جدیت مطرح و حمایت شده، حساسیت و عکس‌العمل منفی طالبان در سه سال گذشته را به همراه داشته، به نحوی که در عمل با هیچ نرمشی از سوی رهبری طالبان روبه‌رو نشده است. حتی کاهش شدید کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی نیز نتوانسته به‌عنوان اهرم فشاری بر طالبان باعث تغییر رفتار و شیوه حکومت‌داری آنها شود و تنها نتیجه آن افزایش فقر و گرسنگی و فشار مضاعف بر قشر فقیر جمعیت افغانستان شده است.

آثار و شواهد عینی از تحولات کُند اما معنادار درون و بیرون افغانستان گواهی بر این واقعیت است که نمی‌توان در کوتاه‌مدت و میان‌مدت امیدی جدی به بروز اختلافات درونی و گسست رهبری طالبان داشت. تحولات سه سال گذشته و نتیجه نشست‌های متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز تصویری امیدبخش و معنادار از نقش و نقشه‌ایپوزسیون داخلی و خارجی بر آینده سیاسی افغانستان نشان نمی‌دهد. شاید گذر زمان و بازی کسب منافع و دفع مخاطرات از سوی کشورهای منطقه و جهان در کشاکش افزایش کشمکش‌ها به نفع راهبر «سیاست اقتصادمحور»، «عادی‌سازی و تحمیل خزنده» طالبان پیش برود.

کار موفق بودند و توانستند در مقابل هر ۹ روز یک بحران، سپر محافظتی خوبی را تدارک ببینند. اما مشکلی از درون خود این سپر دفاعی شروع به رخ‌نمودن کرد که چاره‌ای برای آن اندیشیده نشد و آن হল بالابردن سطح انتظار جامعه بود. تا جایی که در «انتخابات شورای شهر دوم» آن شد که شد و از دم شورای شهر دوم «فاجعه توهم هزاره سوم بیرون آمد» که شاید با گذشت چندین و چند دهه نیز نتوان مثلاً «سازمان فساد»ی را که حاصل آن بود از بین برد یا آن پروژه «عبور از خاتمی» که زاییده همین بالابردن انتظارات ساخته رسانه‌های اصلاح‌طلب و ندیدن فاجعه‌ای که در راه بود و آن توهمین‌ها به خاتمی در

آخرین حضورش در «دانشگاه تهران» که از سوی «جنبش دانشجویی» دید و علم تحریم که برخی آزادشدگان از زندان در انتخابات ۸۴ برداشتند و آن جماعت اصلاح‌طلب که نتوانستند به یک کاندیدای واحد برسند و آرای اصلاح‌طلبان را خرد کردند و اینکه حتی یکی از آن رسانه‌ها متوجه چنین امر خطیری نشدند و ریاست‌جمهوری هم «تیم رسانه‌ای کاربلد»ی در اختیار نداشت تا طی آن هشت سال با رصد و بررسی آنچه در عمل می‌گذشت، مشاوره درستی به رئیس‌جمهور بدهد. همین می‌تواند در دوره جناب حسن روحانی هم دید. این تصور جناب روحانی که بشخصه آن زبان و توان اقناعی را دارد که از پس تخریبی‌ها برآید، هم به نوعی یادآور آن سخن مرحوم هاشمی‌رفسنجانی است که وقتی در تشکیل کابینه به او معترض شدند که چرا توان سیاسی کابینه معرفی‌شده‌اش این‌قدر پایین است، جواب داده بود که «من خودم به اندازه تمام کابینه سیاسی هستم» و زمانی که ضربات سیاسی، یکی بعد از دیگری بر او وارد شد، یک‌تنه توانست مقاومت کند و دوران افولش شروع شد و ادامه یافت تا در مجلس ششم نفر سی‌ام شد و استعفا داد و در انتخابات ۸۴ به فردی مانند «فاجعه توهم معجزه هزاره سوم» باخت و به همین شکل، دولت روحانی هم به واسطه نداشتن یک تیم رسانه‌ای مناسب و در غیبت رسانه‌های توانمند مستقل، حتی فاقد آن سپر دفاعی آقای خاتمی بود...

این صفحه ادامه‌دار صفحه ۴